

که مالکین خدمت باین مملکت میکنند و شرحی از فضائل مالکین بیان فرمودند .

بنده تصور نمیکنم کسی مخالف باین عقیده باشد و بنده مخصوصاً خودم یکی از اشخاصی هستم که باین مسئله مستقدم زیرا این مملکت چیز دیگری ندارد غیر از آب و زمین آنهم بدست مالکین است و یک صادراتی برای این مملکت تهیه میکنند ولی این مربوط باین نیست که چون مالکین آدمهای خوبی هستند مالیات کم بدهند .

مالکین درعین اینکه آدمهای خوبی هستند و بنده هم خیلی ارادت خدمتشان دارم باید مطابق فاء که میبیرند مالیات هم زیاده بدهند .

یک حسابی آقای وکیل الملك فرمودند که بنده هم آن حساب را یاد داشت کرده ام .

فرمودند پنج میلیون و کسری مالیات مستقیم است و بعضی چیزها هم از موضوع کردند بعد فرمودند یک میلیون و شصت هزار تومان مالیات ارضی در ایران گرفته میشود و این یک میلیون و شصت هزار تومان را فرمودند چون مالیات خیلی کم است اگر ماخذ مالیات رایانین بیابیم یعنی عشر از عایدات را بگیریم از این مبلغ بیشتر خواهد شد اینطور فرمودند .

بنده خیلی مسرور شدم که آن روز مسبق شدم در این مملکت از سرحد جلفا تا بوشهر و از شرق تا غرب از صاحبان اراضی فقط یک میلیون و هشتصد هزار تومان مالیات میگیرند و بقیه مالیاتها را باید اشخاص دیگر بدهند و بنده چون عادت ندارم می سنک رنجبر را بسینه بزنم عرض میکنم سایر افراد این مملکت بیست و دو میلیون مالیات و مطابق فرمایش آقای وکیل الملك یک میلیون و هشتصد هزار تومان صاحبان اراضی مالیات می بردازند و بعقیده بنده وقتی قانون ممیزی عمل بشود این مقایسه بهم خواهد خورد و مالیات اراضی در ایران پنج برابر حالیه خواهد شد .

حسابش را هم کرده ام و اگر بعضی از آقایان هم پیشنهاد کنند که ماخذ مالیات از این صدی چهار و نیم هم پائین تر آورده شود باز هم زیاده تر خواهد شد .

بنده خودم اینطور تصور میکنم .

اماراجع بدیم فرمودند و بنده داخل نمیشوم در اینکه در اصلاحیست آنها مسائل دیگری است ولی باید فهمید این گندمهایی که از قتل جبال و بطون اودیبه بفرمایش آقای کازرونی بیرون میآید آن ارباب قتل جبال و بطون اودیبه چه میکنند .

اینکه فرمودند چهار برابر رعیت برد و یک برابر ارباب علتش این است که همه کار آن جا با خدا است و بعد با رعیت در این

جایکی پیدا شده است میگوید این کوه مال من است و ماهم آن کوه را مال او می شناسیم ولی بالاخره تفاوت بین اینجا و آنجا هائی را که آب را از ته زمین بیرون می آورند یا مثل اصفهان ما که از زمین رست و کچ گندم می آورند باید سنجید در آن جا که دولت رعیت می برد و یک ثلث ارباب برای این است که مالک آنجا هائی خانه اش خوابیده نه رعیت می شناسد و نه ده میداند . . .

(همه بین نمایندگان)
آقا سید حسن اجاق - اینطور نیست .

شیروانی - آقای اجاق اجازه می دهند بنده عرض کنم بعد ایشان اگر فرمایشی دارند می آیند اینجا و فرمایش خودشان میفرمایند .

بالاخره بعقیده بنده آن قتل جبال و بطون اودیبه که مال آقایان است آنها یک برابر میگیرند و رعیت برابر رعیت کار برای اینکه کار نمی کنند رعیت کار میکنند و اگر کمیسیون قائل شد که از آن جا ها یک قدری زیاده تر مالیات گرفته شود برای این است که در جاهائی که آب قنات و رودخانه دارد از این پنج رکن زراعت یکیش را هم ارباب میدهند .

از این جهت مالیات آن جا ها را کم قرار داده اند .

در هر صورت بنده حتماً عرض نمیکنم که این قانون یک قانونی است که از آسمان آمده و باید حتماً اجرا شود .

بنده عرض میکنم که در دوسه جای این قانون خودم هم مخالفم و پیش نهاد خواهم کرد .

ولی در کلیات چقدر باید حرف زد؟ دو مخالف سه چهار روز حرف زده اند و یک نفر موافق هم نیم ساعت حرف زده به عقیده بنده حالا دیگر خوب است مذاکرات کافی شود .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

(بعضی گفتند کافی نیست)
نایب رئیس - رأی می گیریم . . .

شیخ الرئیس - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات .

نایب رئیس - بفرمائید .

شیخ الرئیس - اگر قانون ممیزی در دوره دوم و سوم و در دوره چهارم مطرح بوده بما مربوط نیست و دوسه جلسه بیشتر نیست که این قانون بمجلس آمده است و یک مدتی هم وقت مجلس که به سؤالات و مذاکرات قبل از دستور صرف شده و نیم ساعت بیشتر نیست که در این قانون امروز صحبت میشود .

این قانون یک قانون مهمی است و برای سعادت آتیه مملکت وضع شود و هر روز هم نمی شود این قانون را تغییر داد .

در قانون علائم صنعتی و راه بندرجز بیست روز صحبت میشود .

در این قانون هم باید قدری بیشتر صحبت شود و آقایان مطلع هستند که این یک چیزی نیست که بغوریت و بدون صحبت و مذاکره بشود به آن رأی داد!!

تایک نفر حرف خودش را تمام می کند فوراً میگوید مذاکرات کافی است این وضع جدیدی است که در این مجلس پیدا شده!!

چقدر وقت مجلس صرف قوانین کوچک شده بگذارید لااقل پنج روز هم در کلیات این قانون صحبت شود و بعقیده بنده گرانبهاترین اوقات مجلس همان مواقعی است که صرف این قانون میشود و بعقیده بنده باید لااقل بیست روز این قضیه در مجلس مطرح باشد تا مطلب خوب حل شود و این مسئله اهمیتی ندارد .

زیرا در یک قانونی صحبت زیاد شده است که محل ابطلاع عموم مردم است بنابراین بنده با کمایت مذاکرات مخالفم .

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)
نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست .

شیروانی - اکثریت بود .

نایب رئیس - تشخیص با هیئت رئیسه است .

دو فقره پیشنهاد راجع بختم جلسه رسیده است قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم بعد از نطق آقای شیروانی جلسه ختم شود .

اخگر بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود .

مشاراهظم

نایب رئیس - مخالفی نیست .

کازرونی - بنده مخالفم .

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم .

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - چند فقره خبر از کمیسیون هراض رسیده و مدتها است که حاضر است .

تقاضا میکنم (چون اختلاف فیما بین صاحبان مرخصی و اداره مباشرت پیدا شده) قرائت شود بعد که تکلیف آنها معلوم شد جلسه را ختم فرمائید .

نایب رئیس - رأی می گیریم بختم جلسه آقایانی که موافق هستند با ختم جلسه قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد .

جلسه آتیه شب سه شنبه ۳ ساعت قبل از ظهر .

دستور هم لایحه ممیزی (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس - مجلس شورای ملی - سهام السلطان

منشی - علی اقبال الممالک

منشی - معظم السلطان

جلسه ۱۲۸
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه بیست و هشتم
برج دلو هزار و
سیصد و سه مطابق بیست و
سوم رجب المرجب
سنه هزار و سیصد و چهل
و سه ۱۳۴۳

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و ششم دلو را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای قائم مقام - اممک .

(اجازه)
قائم مقام الممک - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس آقای صدر الاسلام (اجازه)

صدر الاسلام - بنده هم قبل دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای آقا سید - معتمدعلی

(اجازه)
آقا سید محمد علی شوشتری - بنده هم قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای تدین .

تدین - بنده راجع بدستور عرض دارم .

نایب رئیس - آقای اخگر (اجازه)

اخگر - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - قبل از دستور

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب

حاج میرزا عبد الوهاب - قبل از دستور .

نایب رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده قبل از دستور عرض دارم .

نایب رئیس - آقای عراقی (اجازه)

حاج آقا اسمعیل - آقای زعیم را در صورت مجلس جزو غائبین بی اجازه نوشته اند .

در صورتی که ایشان مریض بودند و تب

گرفته بودند حالا هم خودشان تشریف دارند و دفاع میکنند

نایب رئیس - تحقیق و اصلاح میشود آقای مدبر الملک (اجازه)

مدبر الملک - قبل از دستور عرض دارم

نایب رئیس - آقای ملک الشمره

ملک الشعر انبل از دستور

نایب رئیس - آقای میرزا ابوالله خان

میرزا ابوالله خان قبل از دستور

نایب رئیس - در صورت جلسه مخالف نیست؟

آقاسید یعقوب - بنده عرض دارم

نایب رئیس - بفرمائید

آقاسید یعقوب - آقای وزیر فوائد عامه در جواب آقای کی استوان راجع به قضیه هفت هزار بوطخاریا بک عبارتی ذکر کردند که در صورت مجلس نوشته نشده غیر از اینکه فرمودند وزارت فوائد عامه اعلامی فرسیده است و دولت هم اجازه ندهد است بک عبارتی هم فرمودند:

که در این باب جواب داده نمی شود (در تحت این عبارت یک بیانی کردند چون این عبارت اهمیت دارد خواستم تذکر بدهم

نایب رئیس - مراجعه خواهد شد

جمعی از نمایندگان - وارد دستور بشویم

نایب رئیس وارد دستور میشویم

تدین - بنده با ورود در دستور مخالفم

نایب رئیس بفرمائید

تدین - علاوه بر اینکه صحبت کردن قبل از دستور یک حق اصلی است از برای هر وکیل مجلس هم مخصوصاً رأی داده است که هر نماینده قبل از دستور و بعد از دستور می تواند صحبت کند

و حتی چندی قبل مخصوصاً خود بنده پیشنهاد کردم تا چهار ماه در مجلس مذاکرات قبل از دستور ممنوع باشد همین مجلس با اکثریت رد کرد و لکن کثرت مجلس نمی تواند حق یک وکیل را از بین ببرد و بر طبق رأی که خودش داده است وکیل حق دارد حرف بزند

بعضی از نمایندگان - رأی بگیری

تدین رأی صحیح نیست

نایب رئیس - مجلس البته میتواند در هر موقع دستور خود را تغییر دهد رأی بگیرییم برای ورود در دستور

آقایان که موافقت فرمایند (اقلب قیام نمودند)

نایب رئیس تصویب شد

آقای حاج سید المعقین پیشنهاد کرده اند دوسه فقره لوائح مختصر راجع به کمیسیون بودجه قبل مطرح شود

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم (پیشنهاد آقای حاج سید المعقین اینطور فرمات شد)

تقاضا دارم لوائح راجعه بورتی مرحوم مجدداً اشرف و مستشار دفتر و میرزا یوسف خان عضو تجدید کیلان و عبدالمحمود فلاح در این جلسه در درجه اول جزو دستور باشد

را که بنده پیشنهاد کرده ام لوائح مختصری است و راجع بورتی چند نفری است که مستخدم دولت بوده اند و خیلی هم مستأصل و بریشانند

مبلغش هم کم است ده تومان و چهار تومان و نیم و هجده تومان

این است که بنده تقاضا دارم امروز قبل از دستوری که تعیین شد این چند نفر تصویب شود و بعد وارد دستور شویم

نایب رئیس - آقای داود (اجازه)

داود - بنده در اصل قضیه مخالف نیستم ولی تصور میکنم وقتی که مجلس رأی داد وارد دستور بشویم مقصود آن دستوری است که قبلاً معین شده و آن قانون ممیزی است که زودتر باید تکلیف معین شود و معتمد که عجلتاً خود آقای حاج سید - المعقین پیشنهاد ایشان را مسکوت عنه بگذارند تا قانون ممیزی که جزو دستور بوده است مطرح شود بعد این خبرها جزو دستور شود

حاج سید المعقین - اجازه می-فرمائید؟

نایب رئیس - اجازه نانی نمی شود پیشنهادتان را مسترد میکنم؟

حاج سید المعقین - عجلتاً مسترد می کنم تا بعد از تنفس مطرح شود

نایب رئیس - مذاکرات در کلیات قانون ممیزی است

آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده خیلی متأسفم که مجلس این یکی دوساعتی که مشغول کار می شود یک کار را مرتباً تعقیب نمیکند که موافق و مخالف حرفهایشان را در مقابل دیگر واقع شود و بتواند جواب اعتراضات را کاملاً بدهند

در جلسه سابق من درست نظر نیست که فرمایشات آقای شیروانی چه بود همین اندازه دوسه فزایش که خیلی تندزننده بود در ذهنم نگاه داشتم

یکی این بود که فرمودند چرا مخالف می کنید مگر نمیخواهد اصلاحات بشود مگر نمیخواهد ممیزی بشود

بنده می گویم که با یک اصول کلی هیچ کس مخالف نیست

بعضی از نمایندگان (صحیح است) هیچکس نمیگوید مالیات مملکت را تعدیل نکنند اگر نظر آقایان باشد این طرح قانونی که رفت بکمیسیون بنده صاحب آن طرح بودم و پشت همین تریبون آوردم و تقدیم کردم ولی با طرز این لایحه که تنظیم شده است و مخالف چون یک طریزی است که میتوان گفت برای رد کردن تنظیم شده است طریزی نیست که قابل قبول باشد

بنده هم در صف ملاکین نیستم که هوشان میکنند برضد منافع رعایا قیام میکنند و چه وجه میکنند

بنده در این صف نیستم مالک و رعیت هم هر دو برادر من هستند و فرقی برای من نمی کند ولی با لوائحی که اصول متناسبی نداشته باشد نمی توانم موافقت کنم چون بعضی از آقایان در مجلس سابق نبودند اینست که بنده تاریخ قانون ممیزی را خدمت آقایان عرض میکنم تا مطلع بشوند

در مجلس چهارم که دنباله یک فقرت طولانی بود شکایات زیادی از بی ترتیبی مالیات می رسید کمیسیون عرایض هم حسب معمول دولت و وزارت مالیه مراجعه میکرد دولت هم میگفت چون قانونی در این باب نیست عجلتاً همان جزو جمع قدیم معمول است و چون این قانون قانع کننده نبود کمیسیون عرایض هم مسئله را تعقیب می-کرد

(بنده هم آن وقت عضو کمیسیون عرایض بودم)

و آقای مصدق السلطنه که آن وقت وزیر مالیه بودند رفتند و لایحه تنظیم کردند و آوردند به مجلس که بعقیده بنده آن لایحه از بهترین لوائحی است که بعد از آن مجلس آمده و با کمیسیون در آمده است

چندی این لایحه در کمیسیون مطرح بود و دولت قوام السلطنه رفت و دولت آقای مشیرالدوله آمد روی کار و وزیر مالیه جدید (آقای مدبر الملک) باز لایحه را درش یک نظری کردند و آوردند به مجلس این دولت هم رفت و دولت ثانی قوام السلطنه آمد و فہیم الملک وزیر مالیه با موافقت نظر مستخدمین امریکائی یک لایحه تنظیم کرد و آورد به مجلس ولی اصول این لایحه یکی بود که مالیات را از عایدات مالک خمس باعشر یا بیشتر یا کمتر مطالبه نمایند و این لوائح در روی این پایه گذاشته شده بود که مخارج زراعتی را که بذرو آب و غیره باشند موضوع کنند آنچه را هم که زارع میبرد موضوع کنند

(چون بزراع چیزی زیاد تر از خوراکش نمی دهند)

بعد از آنچه که وارد انبار مالک می-شود هشر بگیری نمایان طریق بود که آن لوائح معین کرده بود و علاوه فرق گذارده بود

بین آن املاکی که زراعت دیم دارد یا املاکی که رود آب یا فئات آبست بدیهی است برای رودخانه سرخانه خرج شده است

رودخانه یک منبع خدادادی است ولی فئات برایش یک گرو خرج شده است و باید برای استهلاك سرمایه که خرج آن فئات شده است یک چیزی منظور داشت این بود که در آن لوائح یک تفاوتی بین املاکی که از فئات مشروب می شوند با املاکی از رودخانه مشروب می شوند قائل شده بودند و این سه لایحه که دولت آورده بود متحدالشکل بود و اصولش یکی بود در کمیسیون قوانین مالیه مجلس چهارم بنده عضویت داشتم امریکائی ها هم جدیداً آمده بودند و آن لایحه را هم خودشان تنظیم کرده بودند

فہیم الملک آورده بود به مجلس و چون وقت تنگ بود و امریکائی ها هم نمی دانستند که آیا این لایحه را اجراء نمایند یا نه دولت تمام می شود یا بضرر دولت و امتحان نکرد بودند

در مجلس هم همین شکل که حالا آن روز هم بود بعضی می گفتند که اگر این لایحه اجراء شود عایدات دولت نصف می شود

بعضی ها میگفتند چهار برابر می شود امریکائی ها هم اطلاعاتی نداشتند و برای آنها مشکل بود که آن ترتیب را قبول بکنند در کمیسیون هم ما از نظر اینکه مالیه مملکت از حال بالانگیزی بیرون بیاید و این جزو جمع های روسیه قدیمی را از سوزاندن و بجای آن یک اصل صحیح بگذارند

هر اعتراضی که امریکائی ها میکردند مادر کمیسیون تسلیم آنها می شدیم آنها می گفتند که اگر ما بخواهیم از سهم مالیات بگیرییم تولید زحمت می کند و تشخیص این که چقدر مالک می برد و چقدر رعیت از برای دولت مشکل است و تولید مخارج زیادی می کند و باید از خرمن معلوم کنند و یک سهمی بردارند مادر کمیسیون نه از نقطه نظر اینکه این اعتراض اصولاً صحیح است با غلط بلکه از نقطه نظر اینکه آن اصول قدیمی از میان برود و بجای یک اصل جدید و صحیحی بیاید این را قبول کردیم و در واقع این یک مناسجه از طرف کمیسیون بود

برای اینکه حقیقتاً در آن موقع هم مجلس به آخر رسیده بود و این قانون را یک قانون امتحانی می خواستند بنویسند خلاصه آن را برای آن که عرض کردم که پایه مالیات را روی عایدات مالک گذاشته بود آمد به مجلس و یک شور هم شد امریکائی ها برای اینکه اطلاعات کافی نداشتند

بوسیله آقای ذکاء الملک وزیر مالیه که آن لایحه را استرداد کردند و بکلی با واریجی که دولت های وقت آورده اند از نظر رفت

دولت هم بدیهی است هر کاری که ایش آسان تر باشد آنرا می خواهند تب کند خصوصاً امریکائی های که اطلاعات کمی ندارند و وزارت عوم خورشان را مکلف می دانند که یک راه عملی به آنها نشان دهند و آنها هم یک راه سهل و ساده را خواستند تعقیب کنند که از خرمنی که دولت آورده بود بردارند البته این خیلی سهل و آسان است

ولی اصولاً این حرف غلط است برای آنکه یک خرمن ممکن است یک دهنه نفت خارج ایجاد شده باشد یک وقت ممکن است عوایدی بردارند البته این خیلی سهل و آسان است

ولی اصولاً این حرف غلط است برای آنکه یک خرمن ممکن است یک دهنه نفت خارج ایجاد شده باشد یک وقت ممکن است عوایدی بردارند البته این خیلی سهل و آسان است

فہیم الملک آورده بود به مجلس و چون وقت تنگ بود و امریکائی ها هم نمی دانستند که آیا این لایحه را اجراء نمایند یا نه دولت تمام می شود یا بضرر دولت و امتحان نکرد بودند

در مجلس هم همین شکل که حالا آن روز هم بود بعضی می گفتند که اگر این لایحه اجراء شود عایدات دولت نصف می شود

بعضی ها میگفتند چهار برابر می شود امریکائی ها هم اطلاعاتی نداشتند و برای آنها مشکل بود که آن ترتیب را قبول بکنند در کمیسیون هم ما از نظر اینکه مالیه مملکت از حال بالانگیزی بیرون بیاید و این جزو جمع های روسیه قدیمی را از سوزاندن و بجای آن یک اصل صحیح بگذارند

هر اعتراضی که امریکائی ها میکردند مادر کمیسیون تسلیم آنها می شدیم آنها می گفتند که اگر ما بخواهیم از سهم مالیات بگیرییم تولید زحمت می کند و تشخیص این که چقدر مالک می برد و چقدر رعیت از برای دولت مشکل است و تولید مخارج زیادی می کند و باید از خرمن معلوم کنند و یک سهمی بردارند مادر کمیسیون نه از نقطه نظر اینکه این اعتراض اصولاً صحیح است با غلط بلکه از نقطه نظر اینکه آن اصول قدیمی از میان برود و بجای یک اصل جدید و صحیحی بیاید این را قبول کردیم و در واقع این یک مناسجه از طرف کمیسیون بود

برای اینکه حقیقتاً در آن موقع هم مجلس به آخر رسیده بود و این قانون را یک قانون امتحانی می خواستند بنویسند خلاصه آن را برای آن که عرض کردم که پایه مالیات را روی عایدات مالک گذاشته بود آمد به مجلس و یک شور هم شد امریکائی ها برای اینکه اطلاعات کافی نداشتند

کافی از اوضاع مملکت ماند دارند و من آنها را مقصر نمی دانم

یک کسی از بیگانه دنیا پاشده است آمده است اینجا

مملکت ما هیچ شایسته قسمت دین ندارد و باید آنها را راهنمایی نماید ولی ما تا در سر قضایای خصوصی با آنها داخل ملنا کرده می شویم

یکی می گوید بیای یک فکری برای ملک من بکن آنها هم می فرستند و ممیزی می کنند و هر جار هم که تا بحال رفته اند و ممیزی کرده اند درسدان که برای دولت ضرر کرده است

دلیلش هم واضح است برای اینکه بنده اگر ملک ملک ملک باشم که عایداتش پیش از عواید باشد تقاضای ممیزی نمی کنم و اگر کمتر از عواید باشد تقاضای ممیزی می کنم

البته هر کس تقاضای ممیزی کرده است عایداتش کمتر از عواید بوده است این ها هم پذیرفته اند و رفته اند ممیزی کرده اند

در نتیجه عمل دیده اند بضرر دولت تمام شده

دیگر متذکر این نیستند که مالکینی املاک کم مالیات نمی آیند تقاضای ممیزی بکنند

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) البته اگر قانون ممیزی را در تمام مملکت اجراء کنند بفتح دولت تمام می شود

مادر مالیات خرج را هم باید در نظر بگیریم و البته مالیاتی که بنام صدی پنجاه خرج وصول داشته باشد این مالیات ببرد مملکت نمی خورد

مالیات را باید بیک شکلی وضع کنند که خرج وصولش از صد و صد دوازده تجاوز نکند

و چندان اشکالی ندارد در مستغلات هم عشر عایدات مالک را همین مجلس تصویب کرده است

دولت هم در حین اجرا بمصطوری رهنورده و تولید زحمتی هم برایش نشده است یک ادارات عریض و طولانی هم برایش درست نکرده است

پس اگر چنانچه ما اصل مالیات را روی عایدات مالک یعنی آنچه که وارد مخزن مالک می شود قرار بدهیم از روی اجازه نامه نمائی که دارند و آنچه نمائی هم که اجازه نامه نیست املاک مجاور را ممکن است و اخذ قرار بدهند

همانطور که در ممیزی مستغلات هم پیش بیفتی شده بهتر خواهد بود و برای دولت هم تولید زحمت نمی کند و زراعت مالیه که ما تا بحال داشته ایم خود را مکلف نمی دانسته اند که امریکائی ها را حالی نمایند اینها هم که تازه آمده اند و اطلاعات

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

کافی از اوضاع مملکت ماند دارند و من آنها را مقصر نمی دانم

یک کسی از بیگانه دنیا پاشده است آمده است اینجا

مملکت ما هیچ شایسته قسمت دین ندارد و باید آنها را راهنمایی نماید ولی ما تا در سر قضایای خصوصی با آنها داخل ملنا کرده می شویم

یکی می گوید بیای یک فکری برای ملک من بکن آنها هم می فرستند و ممیزی می کنند و هر جار هم که تا بحال رفته اند و ممیزی کرده اند درسدان که برای دولت ضرر کرده است

دلیلش هم واضح است برای اینکه بنده اگر ملک ملک ملک باشم که عایداتش پیش از عواید باشد تقاضای ممیزی نمی کنم و اگر کمتر از عواید باشد تقاضای ممیزی می کنم

البته هر کس تقاضای ممیزی کرده است عایداتش کمتر از عواید بوده است این ها هم پذیرفته اند و رفته اند ممیزی کرده اند

در نتیجه عمل دیده اند بضرر دولت تمام شده

دیگر متذکر این نیستند که مالکینی املاک کم مالیات نمی آیند تقاضای ممیزی بکنند

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) البته اگر قانون ممیزی را در تمام مملکت اجراء کنند بفتح دولت تمام می شود

مادر مالیات خرج را هم باید در نظر بگیریم و البته مالیاتی که بنام صدی پنجاه خرج وصول داشته باشد این مالیات ببرد مملکت نمی خورد

مالیات را باید بیک شکلی وضع کنند که خرج وصولش از صد و صد دوازده تجاوز نکند

و چندان اشکالی ندارد در مستغلات هم عشر عایدات مالک را همین مجلس تصویب کرده است

دولت هم در حین اجرا بمصطوری رهنورده و تولید زحمتی هم برایش نشده است یک ادارات عریض و طولانی هم برایش درست نکرده است

پس اگر چنانچه ما اصل مالیات را روی عایدات مالک یعنی آنچه که وارد مخزن مالک می شود قرار بدهیم از روی اجازه نامه نمائی که دارند و آنچه نمائی هم که اجازه نامه نیست املاک مجاور را ممکن است و اخذ قرار بدهند

همانطور که در ممیزی مستغلات هم پیش بیفتی شده بهتر خواهد بود و برای دولت هم تولید زحمت نمی کند و زراعت مالیه که ما تا بحال داشته ایم خود را مکلف نمی دانسته اند که امریکائی ها را حالی نمایند اینها هم که تازه آمده اند و اطلاعات

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

کافی از اوضاع مملکت ماند دارند و من آنها را مقصر نمی دانم

یک کسی از بیگانه دنیا پاشده است آمده است اینجا

مملکت ما هیچ شایسته قسمت دین ندارد و باید آنها را راهنمایی نماید ولی ما تا در سر قضایای خصوصی با آنها داخل ملنا کرده می شویم

یکی می گوید بیای یک فکری برای ملک من بکن آنها هم می فرستند و ممیزی می کنند و هر جار هم که تا بحال رفته اند و ممیزی کرده اند درسدان که برای دولت ضرر کرده است

دلیلش هم واضح است برای اینکه بنده اگر ملک ملک ملک باشم که عایداتش پیش از عواید باشد تقاضای ممیزی نمی کنم و اگر کمتر از عواید باشد تقاضای ممیزی می کنم

البته هر کس تقاضای ممیزی کرده است عایداتش کمتر از عواید بوده است این ها هم پذیرفته اند و رفته اند ممیزی کرده اند

در نتیجه عمل دیده اند بضرر دولت تمام شده

دیگر متذکر این نیستند که مالکینی املاک کم مالیات نمی آیند تقاضای ممیزی بکنند

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) البته اگر قانون ممیزی را در تمام مملکت اجراء کنند بفتح دولت تمام می شود

مادر مالیات خرج را هم باید در نظر بگیریم و البته مالیاتی که بنام صدی پنجاه خرج وصول داشته باشد این مالیات ببرد مملکت نمی خورد

مالیات را باید بیک شکلی وضع کنند که خرج وصولش از صد و صد دوازده تجاوز نکند

و چندان اشکالی ندارد در مستغلات هم عشر عایدات مالک را همین مجلس تصویب کرده است

دولت هم در حین اجرا بمصطوری رهنورده و تولید زحمتی هم برایش نشده است یک ادارات عریض و طولانی هم برایش درست نکرده است

پس اگر چنانچه ما اصل مالیات را روی عایدات مالک یعنی آنچه که وارد مخزن مالک می شود قرار بدهیم از روی اجازه نامه نمائی که دارند و آنچه نمائی هم که اجازه نامه نیست املاک مجاور را ممکن است و اخذ قرار بدهند

همانطور که در ممیزی مستغلات هم پیش بیفتی شده بهتر خواهد بود و برای دولت هم تولید زحمت نمی کند و زراعت مالیه که ما تا بحال داشته ایم خود را مکلف نمی دانسته اند که امریکائی ها را حالی نمایند اینها هم که تازه آمده اند و اطلاعات

همومی مملکت را تضمین خواهد بود؛ یکی لایحه میزبانی و یکی لایحه سرانجام گیری.

این دو لایحه به مقدمه بنده اساس اصلاحات مملکت است و بایستی در آنها مطالبات عمیقی کرد

چنانچه در سابق هم عرض شد این دو قسمت با هم تقریباً توأم هستند و در آن موقعی هم که این دو قسمت وضع شده است با هم وضع شده و کاملاً بهم مربوطند و باید در این خصوص خیلی دقت شود موافق و مخالف حرفهایشان را بگویند تا مطلب روشن و واضح شود و بعد در ضمن شور در قانون هم پیشنهاداتی بدهند تا افکار حاضر باشد

بعضی از نمایندگان - رأی بگیریید.
نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات.
آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد.
رئیس الوزرا - در نتیجه حسن ظن و احساسات صمیمانه که از طرف عموم آقایان نمایندگان محترم نسبت به بنده مبذول شده بود تشکرات خود را تقدیم میدارم چون تصور نمیکنم که دیگر برای پیشرفت امر و بنال مساعی مانع و رادعی موجود باشد موقع را مغتنم شمرده خاطر آقایان نمایندگان محترم را مستعرض میسازم که نیات و مقاصد بنده از بدو امر در تمام دوره زمامداری خود همیشه متوجه اصلاح قضایای مملکتی بوده و به جوق رضای نشد نام که نظریات شخصی را ضمیمه مصالح همونمایم.

زائد می دانم از اینکه در این موقع وارد گذارشات جزئیات امر نشوم زیرا نتایج عملیات من هر چه بوده و هر چه شده همه را آقایان نمایندگان محترم و عامه اهالی مسبوق مینمایند.

بعضی از نمایندگان - صحیح است عجلتاً مسرور از این اظهار هستیم که

بمراجه بسیر تکامل و تدریجی و در پایان صدمات و خرابیهای سابقه بالاخره مملکت دوره اول ترقی خود را که عبارت از امنیت و آسایش و حفظ حدود و جوانب بود طی کرد.

اکنون موقع آن رسیده است که موارد در مرحله ثانوی شده آنچه را که مربوط به اساس اقتصادیات و بسط راهها و نشر معارف و ترویج مکارم اخلاقی است تعقیب نمایم.

رود در این مرحله و انجام این مقصود مهم زیاده از یک سال است که خاطر بنده را به خود مشغول داشته و فوق العاده متأسفم که در مدت یک سال انقاد مجلس شورای ملی و این فرصت طبیعی مجال آن بیدانند که

کار کتان دولت و نمایندگان ملت با وحدت فکر تقاطلی عقاید کرده قدم های سریعی که لازم است برای وصول بمقصود بردارند و بنده امیدوارم که در این موقع دولت بتواند با استفاده از وحدت نظر مجلس و کمک های فکری نمایندگان محترم وارد مراحل سعی و عمل گردد.

(بعضی از نمایندگان - انشاءالله)
بالاخره در خانمه دادن باین فقر اقتصادی و اوضاع صحی و نیز در بسط خطوط و تعمیم معارف و نشر آن و مخصوصاً در بعضی از سرحدات کدموفقیت نماید.

برای تثبیت این نظریه تقاضا و پیشنهاد خواهم کرد که از مجلس مقدس و اتفاق نمایندگان محترم یک کمیسیون دوازده نفری تشکیل گردد تا دولت نظریات و مطالعات خود را با کمک فکری کمیسیون مزبور تقدیم مجلس شورای ملی نموده در پیشرفت امور و حل قضایا موفقیت حاصل شود.

بعضی از نمایندگان - انشاءالله)
باین لحاظ امید کامل دارم که باخواست خداوند وقفه های گذشته در ظرف این یکسالگی که با ختام دوره پنجم باقی مانده جبران گردد و در تاریخ آینده مملکت علائق و آثاری از این دوره بیجا کار باقی نماند.
در خاتمه هم بآنکاه اقداماتی که برای جلب اعلیحضرت بعمل آمده است از قبیل تلگرافات و اقدامات دیگر که بیش از این مسافرتشان بطول نیانجامد اخیراً هم باز اقداماتی بعمل خواهد آمد که انشاءالله بزودی اعلیحضرت از این مسافرت دور تهران مراجعت کنند.

نایب رئیس - آقای رهنما.
(اجازه)
رهنما - بنده از موقع استفاده میکنم و قبل از اینکه از نظریات رئیس دولت که اظهار فرمودند تشکر بکنم لازم است يك نکته بسیار لطیف و جالب توجهی را عرض کنم.

آقای رئیس الوزرا در چندین موقع مورد اعتماد مجلس شورای ملی واقع شده اند و در اول نبودند.
چندین مرتبه همین مجلس شورای ملی رأی اعتماد خودش را که عبارت از رأی اعتماد ملت است با ایشان داده است.
(بعضی از نمایندگان - صحیح است)
ولی در روز قبل يك قسمت دیگری هم پیدا شد.

يك وضعیت دیگری هم پیدا شد که آن وضعیت با اتفاق مجلس شورای ملی بعمل آمد آن وضعیت عبارت است از تصدیق زحمات شخصی آقای رئیس الوزرا که از طرف تمام آقایان نمایندگان بدون استثناء و بدون اقلیت و اکثریت بعمل آمد چندین

بار که کتان دولت و نمایندگان ملت با وحدت فکر تقاطلی عقاید کرده قدم های سریعی که لازم است برای وصول بمقصود بردارند و بنده امیدوارم که در این موقع دولت بتواند با استفاده از وحدت نظر مجلس و کمک های فکری نمایندگان محترم وارد مراحل سعی و عمل گردد.
(بعضی از نمایندگان - انشاءالله)
بالاخره در خانمه دادن باین فقر اقتصادی و اوضاع صحی و نیز در بسط خطوط و تعمیم معارف و نشر آن و مخصوصاً در بعضی از سرحدات کدموفقیت نماید.
برای تثبیت این نظریه تقاضا و پیشنهاد خواهم کرد که از مجلس مقدس و اتفاق نمایندگان محترم یک کمیسیون دوازده نفری تشکیل گردد تا دولت نظریات و مطالعات خود را با کمک فکری کمیسیون مزبور تقدیم مجلس شورای ملی نموده در پیشرفت امور و حل قضایا موفقیت حاصل شود.

نمایندگان محترم سرعت نوحه بکنند صدی پنجم می شود این مالیات بفرمایند.
باشکایچه دیگری که در واقع قسمت يك اصولی از قانون اساسی و قوانین است قانون انتخابات رة نون استخدامی باینکه نمایندگان مجلس شورای ملی و هم مستخدمین دولت حق داشته باشند که بیست و فقط می خواهیم مالیات بر عایدات های فنی را علاوه بر مست نمایندگی بر ارض نمایم.

مستخدمین دولت بکنند اینهم يك مسئلهای که محل ابتلاء شده است و تقاضا شده است تا تقاضا می شود که مجلس شورای ملی فرانسوی ها میگویند (امپوسورونونه) کند.
دو فقره هم وظیفه و مستعری است ممکن است بگویند این مالیات اینطور برای اختصاصی که بنظر دولت است آن وقت بنده عرض می کنم که این استحقاق هستند که باید کمیسیون پولایچه اینطور نیست.

مجلس شورای ملی مراجعه نماید.
نایب رئیس - به کمیسیون موضوع می کنند صرف نظر از اینکه پنج میلیون مربوطه مراجعه خواهد شد.
زعیم - اجازه می فرمایید راجع باین نظر نمی گیرند فقط می گویند ما عایدی از این لوابیح عرض دارم.
نایب رئیس - شور در ماده هجدهم یا صدی پنجم یا قانون میزبانی است.
آقای وکیل الملک بفرمایند این لایحه ظاهرش این است که نگاه

وکیل الملک - بنده آن روز کرده است بعایدات و مالیات را صدی کلیات مذاکرات مفصلی در پشت چهار روز و صدی شش و نیم قرارداد و ولی تربیون عرض کردم ولی آقای داور در باطن وقتی که می شکافیم بواسطه محترم کمیسیون در جوابهایی که به اختلافی که در بین مالک و رعیت در مملکت دادند تصور می کنم فراموش فرموده است آن نظر پیش نمی رود زیرا همین بودند عرایض را که بنده عرض کردم صدی چهار روز و صدی شش و نیم در بعضی علتی هم بغاطرم نرسید جز اینکه آقا جاها نسبت بسهم مالک صد هشت می شود و مقوم الملک با ایشان مشغول صحبت بودند در بعضی جاها صدی شانزدهم و در بعضی جاها ایشان عرایض بنده را گوش ندادند حاصدی هفتاد و این بواسطه اختلاف معامله ای که داخل ماده شده ایم عرض می کنم اساساً است که بین مالک و رعیت وجود دارد این قانون هبارت از دو ماده است: حالا ما کار بانها نداریم مالک لایحه عملی یکی ماده اول و یکی ماده نهم.
ماده اول را که عبارت از موضوع مالیه آوردیم بپجلس می خواهیم صدی چهار روز گذاری است بنده نمی دانم از روی کاتیم و صدی شش و نیم از اصل محصول اصل ما می خواهیم مالیات وضع کنیم. بگیرییم این اصل را بنده آن روز مفصل عرض در دنیا دواصل برای مالیات کرده کردم حال دیگر میل ندارم عرایض سابقم موجود است.

یکی مالیات تقسیمی و توزیعی است نمایم که سابقاً در اروپا معمول بوده حالا هم بعضی جاها معمول است.
یکی مالیات تسهییمی است که عبارت از تقسیم مالیات است بر عایدات.
یکی موقعی دولت پنج میلیون یا چهار میلیون بدهد با مغارج دولت پول لازم دارد لایحه بپجلس شورای ملی میاورد که در آن لایحه دولت پنج میلیون فلان قدر پول خواسته است.
اظهار می نماید ثروت مملکت این است من هم اینقدر پول لازم دارم مجلس يك قسمتش که عبارت از مغارج و بعضی جا باید تصویب کند که به نسبت با فرای های دیگر است اگر از روی عشریه به مالیات مملکت تقسیم بشود.
مثلاً این مملکت صد میلیون عایدت است دولت هم پنج میلیون پول لازم دار

های دیگر آذربایجان و در تمام قطعات آذربایجان این مسئله را در نظر نگرفته اند که اصلاً آنجا ها مالیات نمی دهند مثل ما که بیاصد ششصد آبادی است که تا حالا يك شاهای مالیات ندادند است و بعضی بلوکات دیگر آذربایجان مثل دهخوارقان و بعضی جاهای دیگر که فقط يك جزئی مالیات نقدی دارند.

بنده نمی دانم چطور شده است که فقط مراغه را در نظر گرفته اند که مالیاتش کمتر می شود ولی آنها را که مالیات نمی دهند در نظر نگرفته اند که اگر صدی ده عایدات خالص از آنها بگیرند شاید يك مبلغ خیلی زیادی بشود و شاید دو مقابل بشود بعقد بنده اگر این قسمت های آذربایجان را که مالیات نمی دهند با قسمت های دیگر مثل مراغه رو بهم جمع بنزد عشریه بگیرند خیلی مالیاتش بیشتر از حالی می شود از طرف دیگر بنده می خواهم بفهمم که از روی چه نظر ما این مالیات را می گیریم این باید یکی از دو نقطه نظر باشد یا اینکه می خواهیم مالیات را بگیریم که با اندازه حالا بشود یا باید بگوئیم که ما بیشتر از اندازه فعلی مالیات می خواهیم بگیریم.

اگر بگیریم نمیخواهیم بیشتر از حالیه مالیات بگیریم.
ولی عشریه با معامله حالیه تکافوء نمی کند یعنی این صد چهار روز و نیم بیشتر است آن روز بنده توضیح دادم که بیشتر نیست چطور ممکن است بگوئیم امروز که دو ثلث مملکت مالیات گندم و جو می دهند دو میلیون و هشتصد هزار تومان شده و اگر بر عکس بیائیم و تمام مملکت را میزری کنیم یعنی از تمامش بدون استثناء از دهات جدید الاحداث و موقوفات از صیفی و ششوی تمام محصولات مالیات بگیریم آن وقت کمتر از امروز می شود؟! تصور می کنم که مجلس هم تصدیق کند که عشریه بیشتر از این مقدار فعلی باشد.
آن قسمت دومش که بیشتر طرف توجه است چنانچه آقای شیروانی هم با اشاره تصدیق فرمودند که اگر صد چهار روز نیم بگیریم خیلی بیشتر از مالیات فعلی می شود.

بنده حالا يك مقایسه بین هر دو شق می گیرم آن وقت مطلب معلوم می شود فرض بفرمایید ما از تمام این مملکت چهار قطعه مختلفه معامله اش را بگیریم و هر کدامش را فرض کنیم صد خروار محصول می دهد ولی در معامله مالک و رعیت اختلاف هست یعنی اهریک از این چهار نقطه مالیات صد خروار می گیریم از ساوه و یکی از اصفهان یکی از طهران یکی از کردستان هم یکی.
مطابق این لایحه این چهار صد خروار هیچجه خروارش بدولت می رسد از هر صد خرواری چهار خروار و نیم آن وقت بیائیم

مسئله را روی عشریه فرض کنیم از آن صد خروار ساوه که هفتاد خروار مالک می برد هفت خروارش بدولت می رسد و از محل دومی مثل اصفهان که پنجاه خروار رعیت و پنجاه خروار مالک می برد از سهم مالک پنج خروار بگیریم.
هفت خروار و پنج خروار می شود دو اوزده خروار و از معامله کمتری هم که در طهران معمول است و مالک دو خمس می گیرد که صدی چهل می شود از این چهل خروار هم چهار خروار ضمیمه می کنیم می شود شانزده خروار و از جاهای دیگر هم مثل کرمانشاه که از صد خروار بیست خروار بمالک می رسد عشریه آن دو خروار می شود.
ضمیمه این شانزده خروار که می کنیم بازمی شود هیچجه خروار و هیچ تفاوتی پیدا نمی شود و فقط اشکالی که در اینجا پیدا شده است این است که اگر بخواهیم از روی این لایحه مالیات بگیریم نتیجه اش اولاً تبعیض است. ثانیاً انقلاب.
ثالثاً مغارج دولت. رابعاً عدم اجرا و بالاخره چیزهای دیگر که حالا بنده میل ندارم بگویم.
ولی اگر از روی اصل عشریه مالیات بگیریم برای دولت هم تفاوت نمیکنند سرو صدائی هم از کسی بیرون نمی آید. هیچ معضوری هم پیش نمی آید.
آن روز یکی از آقایان فرمودند که بنده گویا در تحت کلمه رعیت دفاع از مالک می کنم. این را اشتباه کرده اند بنده این را عرض نکردم صورت گفتگوی بنده در اداره تند نویسی حاضر است. رجوع کنند با آنجا.

بنده هیچ همچو چیزی عرض نکردم فقط گفتیم زارع مالیات ندارد. آنهم از برای چه؟ نه از نقطه نظر اینکه خواستم دفاعی از زارع کرده باشم. خیر.
خواستم عرض کنم که زارع اجرت عمل می گیرد ما پنج اصل در زراعت داریم. یکی گاو. یکی بذر. یکی آب. و یکی عملی که کار می کند. و یکی زمین و ما فقط باید مالیات را برد و اصل ببنیم یکی آب و یکی زمین.
ولی از عمده نباید مالیات بگیریم بنده نظرم این بود و بقول آقای آقا سید یعقوب نظرم نمک پاشی و بعضی چیزهای دیگر برای معارف و رعیت نبود و خدا شاهد است هیچ این نظرها را نداشتم.
بنده نظرم این بوده است که از عمده هم مالیات بگیریم در طهران حمله خیلی زیاد است و هر کدام روزی دوسه قران کار می کنند ممکن است با آنها هم بگوئیم باید مالیات بدهند.
ولی خیر از عایدات مالک باید مالیات گرفته شود و از آب و زمین که حق مالک است صدی ده یا پانزده یا هر چه باید مالیات

گرفته شود.
ولی چیزی که هست باید از همه جا يك اندازه گرفت نه اینکه از یکجا بگیریم صدی پانزده از یکجا صدی شش و نیم از یکجا صدی شش و نیم و این برای این است که معاملات در همه جا فرق می کند از قبیل يك خمس و دو خمس و چهار خمس و از این قبیل. و در این صورت همانطور که آن روز عرض کردم محتاج می شوم با قوای قهریه وصول کنیم و همان قوای قهریه مغارجش بیشتر از مالیاتی که گرفته می شود خواهد شد.
ولی باین ترتیب که عرض کردم هیچ عیبی ندارد و هیچکس هم مخالف نیست اکثریت پارلمان و شاید عامه مردم هم موافق باشند.
هیچ اشکالی هم پیش نمی آید و افکار هم مشوب نمی شود.
يك عیب دیگری هم که این لایحه دارد این است که ما از یکی مالیات کمتر می گیریم و از یکی دیگر بیشتر می گیریم و بالطبع تولید برعکس اقتصادی می کند و آن این است که فرض کنید در دو ملک یکجا ثلث حق مالک است و یکجا دو خمس و ما از هر دو مالیات يك اندازه می گیریم و بالطبع یکی از آنها بیشتر مالیات معمول می شود و می خواهد بدوش رعیت تحمل کند.

بأن رعیتی هم که مالیات از او بیشتر می گیرند فشار می آید و مجبور می شود بر حسب اصول طبیعت در آنجا نماند یعنی می رود آنجایی که مالیات از او کمتر می گیرند در نتیجه یکجا خراب می شود و يك جا آباد و وقتی یکجا آباد شد مالک وقتی دید که ملکش آباد شد و رعیت هم زیاد است طبیعتاً آن توجهی که از رعیت می کرد حالا نمی کند از آنجا هم رعیت دل سرد می شود.
باز اشکال دیگری که وزارت مالیه کرده بود که گفته بود اگر صدی چهار روز و نیم از اصل خرمن بگیریم مغارج مملکت همیشه زیادتر می شود.
بنده عرض می کنم اینطور نیست برای اینکه اگر عشریه بگیریم فرض بفرمایید در يك آبادی که دویست خروار محصول داشته است دولت میزبانی می کند می بیند اینجا دو خمس بمالک می دهد از این دو خمس مالک که عبارت از چهل خروار باشد باید چهار خروار بعنوان مالیات بدهد و از همان روز اول پنج سال هم که میزبانی میباید.

مالک با قائم مقام او اظهار می کند که این ده اینقدر عایدی دارد و اینقدر بر رعیت می رسد و اینقدر هم بمالک می رسد.
از این گذشته مالیات عشریه مالیاتی است که امروز دنیا روی آن اصل مالیات می دهد.
بمبارة اخری مالیات تسهییمی است

بمبارة اخری مالیات تسهییمی است

یعنی هر کس هر چه دار یک قدری از آن را باید به دولت بدهد و از روی اصول عشریه که موافق شریعت هم هست صدی هشت یا صدی دویا صدی دوازده بدهد می دهند و هیچکس هم نمی گوید که از من بیشتر گرفته و از دیگری کمتر گرفته اند و هیچ اختلافی هم پیش نمی آید و چون من می بینم آقایان دیگری هم هستند که می خواهند در اطراف این ماده مذاکره کرده نمایند .

بنابر این بنده پیش از این نمی خواهم وقت مجلس را اشغال کنم و چون آقای مخبر در خارج مجلس بنده فرمودند که در این قانون هر چه کمتر مذاکره کنند و هر کس پیشنهادی دارد بنمایند بهتر است و بعد آن پیش نهاد را در موقعش توضیح بدهد .

لذا بنده پیش از این وقت مجلس را تلف نمیکنم و فقط پیشنهاد خودم را بمقام محترم ریاست تقدیم می کنم و در موقعش می توضیح خواهم داد بعد هر طور که آقایان رأی دادند مطاع است و البته هم مطیع اکثریت هستم .

نایب رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل پس از بیست و دو دقیقه تشکیل گردید)

نایب رئیس - ماده اول مطرح است مخبر - اشکالاتی که راجع باین قانون شده باید اظهار می شود بیشترش بلکه همه اش مربوط به همین ماده اول است و مذاکراتی هم که در کلیات میشد غیر از یکی دو قسمت که بعضی از آقایان اشاره بمواد دیگری کردند مابقی مربوط به همین ماده اول بود

از ابتدا یعنی از وقتی که این قانون در کمیسیون مطرح شد تا امروز یک اختلاف نظر خیلی شدیدی پیش آمده است نظری که غالباً آقایان مخالفین اظهار کردند اینست که می گویند باید از سهم مالک یک میزان سهم را بکسر کنند عشر سهم مالک را بعنوان مالیات دولت بگیرد .

حتی در خارج بعضی از آقایان مالکین را زدیم که اظهار می کردند اگر سهم لازم نشد که یک قدری بیشتر از عشر باشد ولی از سهم مالک گرفته شود

تغیر دیگر هم نظریست که کمیسیون بودجه با موافقت دولت و نمایندگان وزارت مالیه اتخاذ کرده و آن اینست که از کل عایدات مالیات گرفته شود .

حالا موادی که در دوره چهارم آورد بودند آنها را گرفته و بردند و در آن تجدید نظر کردند عجاناً تا بنده وارد در این قسمت هانمیشوم و آقای حائری زاده آنها را توضیح دادند ولی بنده اینجا لازم می دانم که سه کلمه دیگر عرض کنم چون ایشان اشاره کردند باینکه مستشارها با آن لایحه که در

دوره چهارم آمده موافق بودند . آنچه بنده اطلاع دارم و مخصوصاً در ضمن مذاکراتی که باینده میگردند شنیدم که آنها با آن لایحه موافقت نداشتند بلکه نظر آنها در باره این مالیات همین ترتیبی است که پیشنهاد شده است .

دیگر اینکه آقای حائری زاده اظهار کردند مستشاران اینکه اینجا آمده اند از هیچ اطلاع ندارند . همانطوریکه ما خودمان وقتی صحبت می کنیم از معدیکر تقاضا و خواهش می کنیم که مذاکراتمان طوری باشد که کسی بر نخورد در این موضوع هم اگر بخواهم نظر مستشارها اظهار نظری بکنیم حتی الامکان اگر طوری صحبت کنیم که تولید یکدیگر نشوند هائی نشود بهتر است .

بنده اولاً نمی خواهم این موضوع را مطرح کنم و نمیخواهم یک مذاکره از آنها کرده باشم ولی مقصود بنده این است اشخاصی که در یک جائی کار میکنند باید سعی کرد که مابقی نواقصشان را رفع کرد و بالاخره یک تندی هائی نشود که اسباب دماغ سوختگی شود .

شیر وانی - همه اش نقص است مخبر - ممکن است ولی در هر صورت اگر آن نواقص رفع شود بهتر است .

در لایحه که تقدیم شده است اساساً عایدات کل قراردادها را دلیلی هم برای این موضوع هست آقایان موافقین و مخالفین هر چه بگویند روی هر قه یک مکرراتی است و چون آقایان مخالفین همان دلایل سابق خودشان را تکرار میفرمایند بنده هم ناچارم همان دلایل را عرض کنم و قبلاً بنده میخواهم اقرار کنم که اگر ممکن بود سهولت (بدون تحقیقات و تفتیشات زیادی که هم اسباب خرج فوق العاده برای دولت خواهد شد و هم شاید اگر بخواهد درست تحقیق کنند اسباب زحمت مالک و رعیت بشود) اگر ممکن بود بیک شکل ساده و سهلی تشخیص داد که سهم مالک و رعیت چیست آنوقت ممکن بود که بر سهم مالک یک میزان مالیاتی تحویل کرده ولی اشکالات این کار خیلی زیاد است

دفعه قبل هم که بنده راجع باین موضوع عرضی عرض کردم باین اشکالات اشاره کردم اشکالات این است که در یکطرف بواسطه وضعیت آب و هوا و زمین و از طرف دیگر بواسطه زیادتی جمعیت در بعضی نقاط و کمی جمعیت در نقاط دیگر روی هر قه بواسطه این دلایل طبیعی و اجتماعی تقسیمات و سهم بندی بین مالک و رعیت اشکال فوق العاده مختلفی دارد و اگر شما بخواهید سهم مالک را مأخذ بگیرید باید بدانید که سهم مالک چیست و از برای اینکه بدانید سهم مالک چیست اگر در همه جا از روی یک اصلی و یک قاعده سهم بندی می شد خیلی آسان بود .

فرسنگ را بطور رود که دو سه وعده و سه سهم مالک ببرد اگر در تمام مملکت اینطور بشود شما از روی این قرار بدو می توانید بدانید یک قطعه که صد خوراک عایدات دارد سهم مالک چقدر می شود و از روی سهم مالک یک کفایتداری به عنوان مالیات بردارید .

ولی وقتی که در نقطه از نقاط مملکت بیکتر تبیب مخصوصی معمول باشد اگر بخواهید از همه جاها تحقیق کنید که سهم مالک چقدر است

آنوقت یک اشکال بزرگی در جلوی خودتان می بینید برای اینکه باید در تمام نقاط مملکت یک تفتیشاتی بشود و علاوه وقتی که بنا شد از سهم مالک مالیات بگیرند میسر نیست در بعضی نقاط مملکت که بنا شد از سهم مالک مالیات بگیرند میسر نیست در بعضی نقاط مملکت که بنا شد از سهم مالک مالیات بگیرند میسر نیست در بعضی نقاط مملکت که بنا شد از سهم مالک مالیات بگیرند میسر نیست

مثلاً در یک دهه شامی خواهد پدید آید که سهم مالک چقدر است مالک می بیند اگر بخواهد قرضی که باریت دارد همان قرارین را بیاورد دولت بگوید قرضاً باید پنجاه خوراک جنس بعنوان مالیات بدهد

آنوقت می آید بطور ظاهر و ساختگی باریت بیک شکل دیگر قرضی گذارد و عوض پنجاه خوراک بیست خوراک میدهد و ده خوراک هم بر عاریا می دهد ماده بیست و خوراک منفعت مالک شده است و سی خوراک بدولت ضرر خورده است

حالا صرف نظر از این قبیل مواقع که روی هر قه یک تقابلی است بنده تصور میکنم علت اصلی اینکه نماینده مالیه و مستشار منتهای جدید را دارند از که عایدات کل مالیات بگیرند علت عمده اش این است که بواسطه اشکالات زیادی که در تشخیص سهم مالک و رعیت در نقاط مختلفه مملکت است آنوقت اگر بنا شود از عایدات مالک گرفته شود آن مقدار مالیاتی که وصول خواهد شد معین نیست و ممکن است از اینراه ضرر زیادی متوجه دولت بشود

بعضی از نمایندگان - (بطور همهمه اینطور نیست

مخبر - در اینصورت بنده گمان میکنم این مسئله قبلاً حل شده برای اینکه اگر حل نشده بود دلایل و عللی را باید گوش بدهند و حال معلوم می شود که این مسائل قبلاً حل شده و آقایان محتاج صحبت موافق و مخالف نیستند .

آقای سید یعقوب - در دوره چهارم حل شده بود

مخبر - خوب اگر این مسئله باین اندازه قطعی است پس وقتی که صحبت از کفایت مذاکرات می شود بعضی از آقایان مخالفین در آن موقع اظهار میکنند مذاکرات کافی نیست اینک به لطفی است

آن محصور وسط یک کفایتداری باسم مالیات بر زمینداریم . در سهیل بودن این طریق که حرف نیست و کتمان می کنیم آقایان مخالفین هم تصدیق بفرمایند که این ترتیب سهل الوصول است .

حالا می خواهیم ببینیم که از نقطه نظر عدالت این ترتیب خوبست یا نه؟ این یک نکته بود که بعضی از آقایان مخالفین مثل آقای حائری زاده اظهار کردند و فرمودند اگر این ترتیب معمول بشود آن وقت در یکجا مالک صدی چهارده داده است در یکجا صدی دوازده و در یکجا صدی ده میدهد .

بلی این اشکال صحیح است چون سهم مالک در نقاط مختلفه متفاوت است ولی حالا میخواهیم ببینیم این بی عدالتی از کجا پیدا می شود این اختلاف از این جا پیدا می شود که در یکجا استعداد زمین زیاد است و در جای دیگر استعداد زمین کم است .

در یکجا برای آب شاید به خارج زیادی بشود و در یکجا کم . یکجا سن می زند یکجا را سن نمی زند . یکجا یک مرغ خوراک می خورد جای دیگر تیره شود

باین دلایل عایداتی که مالک از زمین خود برمی دارد در نقاط مختلف متفاوت است مثلاً فرض بفرمایند در یک نقطه از صد خوراک محصول بیست خوراک بر عاریا می رسد .

در جای دیگری خوراک این تغییرات را هم طبیعت پیش می آورد حالا شما می خواهید کار طبیعت را اصلاح نماییند یک ملک که در نزدیکی یک شهری باشد آب هم داشته باشد زمین آنهم استعداد فوق العاده داشته باشد و جمعیت آن شهر هم زیاد باشد البته این ملک عایدات زیادی برای مالک دارد ولی یک ملک که دور دست است و وضعیات جغرافیائی و آب و هوای آنهم مساعد نیست البته فایده آن برای مالک کمتر است . پس همانطور که طبیعت با آن مالک اولی مساعد بوده و با این یکی نبود در موقع پرداخت مالیات هم این یکی برایش بدبختی پیدا شده است و اهمیتی هم ندارد .

اگر شما می خواهید کاری بکنید که از یک دهی در هر نقطه از مملکت که واقع شده مالکین یک اندازه فایده ببرند؟ اگر مقصودتان این است که نمی شود .

برای این که یک زمینی ممکن است تخم سی تخم بدهد و یک زمین دیگری تخم چهار تخم این یک ترتیبی است که پیش آمده است و در بعضی جاها باید مایک قدری بیشتر از آنچه باید بدهد بدهد یک نفر از نمایندگان - بدهد .

مخبر - بسیار خوب بدهد زیرا ما

آن نمی توانیم یک کاری بکنیم که آن ترتیبی را طبیعت پیش آورده است عوض کنیم بلکه باید همان راهی را که طبیعت رفته است بپیماییم و بر خلاف آن عمل کردن یک کار فوق العاده مشکلی است .

با وجود تمام این مسائل باز بنده عرض نمی کنم بهترین ترتیبی که ممکن است از برای مالیات فکر کرد همین است . بلکه عرض نمیکنم این دلایل اکثریت کمیسیون را موافق با این نظر کرد و هر قدر هم که بپوشیم بازمی گردیم سر این دومیست که آیا مداخله نماییم در این که بیستیم سهم بندی بین مالک و رعیت چقدر است یا نه؟

و اگر بخواهیم تشخیص بدهیم خرج زیادی دارد و همین قسمت است که مالیه را می ترساند و مستشاران را متوحش میکند زیرا که نمایندگان حاصل چه خواهد شد و می ترسند که مالیات دولت زمین بخورد

وکیل الملک - زیادتر از حالا خواهد شد .

مخبر - بعضی از آقایان مثل آقای وکیل الملک اظهار می کنند که مالیات زیاد خواهد شد .

بنده عرض می کنم اگر یک دلایلی داشته باشند که از روی آن ثابت کنند که مالیات دولت کسر و واهد شد و آن ترتیبی که ایشان پیشنهاد میکنند بهتر است بنده شخصاً بهمه میگرفتم که این لایحه را ببرم و کمیسیون و مستشاران وزارت مالیه را حاضر و مساعد کنیم که بآن شکلی که ایشان می فرمایند برگردد .

پس باید آن اسناد را از روی ارقام دلایل بیاورند و ثابت کنند و الا دلایلی که ایشان فرمودند کافی نبود .

برای این که معلوم بود ایشان می خواستند بوش بوش و خورده خورده آن مسائل فشنک را بپا بگویند .

دلایل ایشان این بود که چون در بعضی از نقاط مملکت ممیزی نشده و مالیات نمیدهند .

بنابر این حالا که ممیزی میشود باید مالیات بدهند و آنوقت مالیات زیاد خواهد شد .

البته آن تقاضی که نمیدادند و حالا بعد از ممیزی باید مالیات بدهند

بلی آن مقداری که میدهند زیاد می شود .

ولی بعضی جاها هم هست که جزء جمعشان زیاد بوده است و وقتی که ممیزی میشود کمتر میشود .

برای این که خیلی از ملاکین هستند که میل دارند ممیزی بشوند و میگویند این جزء جمعی که از سابق برای ما منظور شده است خیلی زیاد بوده .

بنابر این در بعضی نقاط هم کسر

خواهد شد .

مثل این که در بعضی جاها که تقاضای ممیزی کرده اند و وزارت مالیه امور فرستاده و ممیزی کرده است .

بالاخره معلوم شده است که باید از آنجاها کمتر مالیات بگیرد .

پس یکجهائی هم هست کسر میشود و وقتی شما میپویند بنده را قانع نمائید (چون بنده یک نفر آدم بی طرفی هستم نه با مالک و نه با رعایا طرفیت دارم)

که بالاخره ثابت بفرمائید که این مقدار از املاک معین که عایدات کلش این قدر است تا بحال مالیات ندارد است و سهم بندی مالک و رعیتش هم این طور است و حالا که ممیزی می نمایم مالیات آنجاها اینقدر میشود و آن وقت این کسر را حاصل نمایان اضافه نمائید ببینید چقدر میشود اما این که بطور کلی می فرمائید یک جهائی هست که مالیات نمیدهد و حالا که مالیات میدهند مقدار مالیات زیاد می شود .

بنده عرض میکنم نمایانم بلکه می خواهم جرات کنم و عرض کنم شما هم نمی دانید وزارت مالیه هم نمیداند .

یک نفر از نمایندگان - فقط خدا می داند .

داور - بلی فقط خدا می داند . از ابتداء یک نظری هم در کمیسیون اظهار شده که قبلاً یک اظهارنامه هائی تقسیم شود و تحقیقات معلی بشود که ببینیم که از روی چه میزان باید مالیات وضع شود که کسر و نقصانی پیش نیاید .

ولی بواسطه فشاری که مجلس محترم و آقایان نمایندگان می آورند که این قانون زودتر بمجلس بیاید کمیسیون ناچار شد که زودتر این رایرت را تقدیم نماید و آن تحقیقات بدوی نشد .

وزارت مالیه هم امروز قادر نیست یعنی اطمینان ندارد و اسنادش کافی نیست که بداند اگر بر سر هم مالک عرض شود چقدر کسر میشود یا چقدر زیاد می شود و بالاخره شما فکر این را بکنید که اگر یک قانونی گذرانید بر فردا کسر کرد چه باید بشود و بنابه مطمئن بود که اگر کسر کرد فوراً دولت می آید بمجلس اظهار میکند و مجلس زیاد میکند . مثلاً وقتی که کسر شد فوراً مجلس قرار میگذارد صدی دوازده بشود .

آن وقت نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه تمام این اقسام را در نظر میگیریم و در هر صورت راجع بقسمت فرمایشات آقای وکیل الملک که فرمودند باید یک کاری کرد که مالیات از عایدات گرفته شود علاوه بر آن اعتراضی که به نظر وزارت مالیه رسیده بود یک اعتراض دیگری هم هست و آن این است که میگویند شما که میگویند از

آن محصور وسط یک کفایتداری باسم مالیات بر زمینداریم . در سهیل بودن این طریق که حرف نیست و کتمان می کنیم آقایان مخالفین هم تصدیق بفرمایند که این ترتیب سهل الوصول است .

حالا می خواهیم ببینیم که از نقطه نظر عدالت این ترتیب خوبست یا نه؟ این یک نکته بود که بعضی از آقایان مخالفین مثل آقای حائری زاده اظهار کردند و فرمودند اگر این ترتیب معمول بشود آن وقت در یکجا مالک صدی چهارده داده است در یکجا صدی دوازده و در یکجا صدی ده میدهد .

بلی این اشکال صحیح است چون سهم مالک در نقاط مختلفه متفاوت است ولی حالا میخواهیم ببینیم این بی عدالتی از کجا پیدا می شود این اختلاف از این جا پیدا می شود که در یکجا استعداد زمین زیاد است و در جای دیگر استعداد زمین کم است .

در یکجا برای آب شاید به خارج زیادی بشود و در یکجا کم . یکجا سن می زند یکجا را سن نمی زند . یکجا یک مرغ خوراک می خورد جای دیگر تیره شود

باین دلایل عایداتی که مالک از زمین خود برمی دارد در نقاط مختلف متفاوت است مثلاً فرض بفرمایند در یک نقطه از صد خوراک محصول بیست خوراک بر عاریا می رسد .

در جای دیگری خوراک این تغییرات را هم طبیعت پیش می آورد حالا شما می خواهید کار طبیعت را اصلاح نماییند یک ملک که در نزدیکی یک شهری باشد آب هم داشته باشد زمین آنهم استعداد فوق العاده داشته باشد و جمعیت آن شهر هم زیاد باشد البته این ملک عایدات زیادی برای مالک دارد ولی یک ملک که دور دست است و وضعیات جغرافیائی و آب و هوای آنهم مساعد نیست البته فایده آن برای مالک کمتر است . پس همانطور که طبیعت با آن مالک اولی مساعد بوده و با این یکی نبود در موقع پرداخت مالیات هم این یکی برایش بدبختی پیدا شده است و اهمیتی هم ندارد .

اگر شما می خواهید کاری بکنید که از یک دهی در هر نقطه از مملکت که واقع شده مالکین یک اندازه فایده ببرند؟ اگر مقصودتان این است که نمی شود .

برای این که یک زمینی ممکن است تخم سی تخم بدهد و یک زمین دیگری تخم چهار تخم این یک ترتیبی است که پیش آمده است و در بعضی جاها باید مایک قدری بیشتر از آنچه باید بدهد بدهد یک نفر از نمایندگان - بدهد .

مخبر - بسیار خوب بدهد زیرا ما

امروز خود را اداره کند یا بر خلاف رأی مجلس عمل میکند یا این که تازه باید بیاید و پیش نهاد یک قرضی بکنند برای این که آن کسر جبران شود .

وزارت مالیه نماینده اش که در کمیسیون می آید همیشه استدلالی که می نماید و فوق العاده در آن ایستادگی می نماید این است که مالیات کسری می شود .

بدبختانه ما معضات کمیسیون هم دلایلی نداشتیم و اسناد و ارقامی نداشتیم که بتوانیم با آنها بگوییم این طور نیست اگر آقایان یک ارقامی دارند خواهش می کنم آنها را بفرمایند . چرا بطور کلی حرف میزنند؟ مثلاً یکی از بانیان که آقای وکیل الملک فرمودند این بود که باید سعی کرد مالیات از روی عایدات گرفته شود . یکی از اشکالاتی که وزارت مالیه می کند و بنده نمیخواهم بگویم برای این که یکسری بر نخورد و بگویند که تو یک مخبری هستی که گاهی یک نیش هائی میزنی که مالکین بر می خورد باین جهت بنده چیزی از طرف خود عرض نمی کنم . آنها میگویند مالکین سهمشان و عایدیشان منصرف آن میزان نیست که آن را میزان کلی قرارداد اند بلکه یک چیزهای دیگری هم هست یعنی پشم و کشک و ماست و فسفجان است بیکاری هست و از این قبیل ها .

(همه هم نمایندگان) و بالاخره اگر ما بخواهیم این عایدات حاشیه را با آن عایدات رسمی شان جمع کنیم باید یک مهارج فوق العاده پیش از آن چیزی که وصول می شود از برای این کار صرف کنیم و اگر هم بخواهیم از آنها صرف نظر کنیم که این مالیات بر عایدات نمی شود .

چون یک قسمت از عایداتشان این قبیل عایدات است

حالا بنده خیال می کنم که بعضی از آقایان یک نظر دیگری هم داشته باشند و آن این است که بهتر است همین طوری که الان هست باشد منتهی در میزانش یک صحبتی بشود .

یعنی عایدات کل مأخذ گرفته شود ولی این میزان که قرارداد شده یعنی صدی چهارونیم و صدی شش و نیم این میزان چرخ و تمهید بشود .

این یک مسئله است و شورا اول هم همین است که یک مذاکراتی بشود و البته یک پیش نهادانی خواهد شد در زمینه آن پیش نهاد یک مطالعات و دقت هائی خواهد شد

تمام این اقسام را در نظر میگیریم و در هر صورت راجع بقسمت فرمایشات آقای وکیل الملک که فرمودند باید یک کاری کرد که مالیات از عایدات گرفته شود علاوه بر آن اعتراضی که به نظر وزارت مالیه رسیده بود یک اعتراض دیگری هم هست و آن این است که میگویند شما که میگویند از

عایدات گرفته شود ما هم که از غیر عایدات نمی گیریم. از عایدات می گیریم. يك مغارجی هم حساب می کنیم و عوض این که بنویسیم صدی چهار و نیم از کل عایدات ممکن است طور دیگر بنویسیم مثلا بنویسیم صدی پنجاه و پنج عایدات هر ملكی بعنوان مخارج کنار گذارده میشود و از جهل و بیخ در صد بقیه که آن را دولت عایدات خالص حساب می کند عشر گرفته می شود

برای این که دولت نمیتواند يك سیاه و دفتر دستش بگیرد و برود در فلان ده و بگوید آقا تو چقدر عایدات داری. تو چند تا مرغ میگیری؟ فسفنجانت چقدر است؟

همه به بین نمایندگان

خوب بنده وقتی دلائل قانونی میاورم آقایان می گویند هم میکنی در صورتی که بنده علت را عرض میکنم و هرگز جرات نمی کنم بالاخره عوض این که دولت داخل در این جزئیات بشود يك مخارجی را در نظر میگیرد و میگوید من ۵۰ درصد از عایدات را در املاك آبی برای مخارج موضوع می کنم

حالا اگر شما در یکجائی زور تان رسید کمتر مزد برعیت بدهید یا زور تان رسید این مربوط بمن نیست من ۵۰ درصد از عایدات را برای مخارج کنار میگذارم و از ۴۰ درصد بقیه عشر می گیرم و بالاخره دولت این طور می گوید که چون هر کدام از شما يك طور میبرید من نمیتوانم باین ترتیب عمل کنم. بلی. اگر همه کس يك جور میبرد خیلی سهل بود.

این جوابی است که خود آقا (اشاره باقاي وکیل الملک) برای بنده تهیه کردند.

در این موقع چند فقره یادداشت از طرف نمایندگان باقاي مخبر میرسید بنده لازمست با آقایان عرض کنم این یادداشت ها را مادام که صحبت می کنم نمی توانم بخوانم.

اگر برای اینست که حالا بخوانم و مطلبی را عرض کنم که مشغول حرف زدن هستم و اگر برای همه است که ممکن است.

آقایان وقتی عرایض بنده تمام شد فرمایشات خود را بفرمایند. و بالاخره بهتر این است قسمت اول را که از کدام سهم بگیریم این را يك موضوع قرار بدهیم ولی در قسمت اول نظر کمیسیون همان است که عرض شد بالاخره برای این که يك قانونی بگذرد که اسباب زحمت مردم نباشد و نواقص نداشته باشد و بمالیه دولت هم ضرری نرسد باید آقایان این دو قسمت را از هم تفکیک کنند و بنده از آقایان تمنا می کنم دلایلی که می آورند

بیشتر آن دلایل را جمع باین باشد که بچه دلیل از سهم مالك بگیریم و برای تشخیص هر سهمی و داخل شدن در معامله ارباب ورعیت يك مخارج زیادی را متحمل شویم؟

این ها را آقایان با دلیل بفرمایند تا مطلب کاملا معلوم شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

یاسائی - بنده با کفایت مذاکرات مغالقم.

نایب رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - بنده خیلی تعجب میکنم از آقایان محترم که در يك قانون باین مهمی که عامه اهالی مملکت بان مبتلا هستند راضی نمیشوند باین که استماع کنند مذاکرات مفصلی که از طرف موافق و مخالف در این زمینه میشود و زود خسته و کسل می شوند و فکر نمی کنند که رعایا و ملاکین و دهاقین که عملیات زراعتی دارند چه ابتلائی دارند.

آقایان نمایندگان ما بخصوص مسا و کلای ولایات خوب میدانیم که مردم چگونه گرفتار هستند و بالاخره باید این قضیه را حل کرد و بنده زانند نمیدانم اگر مجلس تا یکماه سر این ماده اول مذاکره کند تا يك سریقه عادلانه ای پیدا شود فردا که تصویب شده عملی شود بنده با کفایت مذاکرات بخصوص در این ماده مخالف هستم.

البته آقایان موافق بودند با گذشتن اساس لایحه میزبی که رأی دادند ولی نظریات مخالف و موافق را جمع بمواد این قانون بیشتر متوجه بماده اول است در این صورت چه طور آقایان راضی میشوند قضیه باین زودی بگذرد بدون اینکه روشن شود.

بنده به نظر خودم خیلی از مسائل هست که تا کنون گفته نشده است و شاید خیلی از آقایان باشند از ترتیب بعضی جاها مطلع نباشند و دیگری مطلع باشد. باید این اطلاعات و عقاید يك در پشت تریبون گفته شود وقتی که اطلاعات آقایان محترم کاملا گفته شد آن وقت روی آن اطلاعات و عقایدی که حاصل کرده ایم يك پیش نهاد همی بشود و کمیسیون قوانین مالیه هم آن پیش نهادها را نگاه کند و در شورائی را بپورت بدهد که زودتر بگذرد والا این قضیه باین زودی حل نمی شود و بهتر این است که مذاکره ادامه داده شود.

عدل الملک - بنده پیش نهاد ختم جلسه کرده ام.

نایب رئیس - باید اول بکفایت مذاکرات رأی گرفت. رأی میگیریم بکفایت مذاکرات.

آقایابی که مذاکرات را کافی میدانند

قیام فرمایند. (چند نفری برخاستند) نایب رئیس - معلوم میشود کافی نیست. چون موقع گذشته و بعضی از آقایان پیشنهاد کرده اند که جلسه ختم شود اگر اجازه میفرمائید مذاکره در این لایحه امروز ختم شود.

حائری زاده - بنده بموجب ماده صد و نه عرض دارم.

نایب رئیس - بفرمائید.

حائری زاده - مخبر محترم در ضمن فرمایشاتشان دوسه جمله فرمودند که سوء تعبیر عرایض مرا

ممکن بود شامل بشود و تهمت و افترا را هم ممکن بود در بعضی هایش شامل بشود و بنده مجبورم جواب عرض کنم یکی راجع بود بمستخذه بین امریکائی که بنده عرض کرده ام این ها نمی فهمند.

بنده مقصودم جمله بود. البته آقایان تصدیق دارند که این ها فارسی نمیدانند و باید يك کسی باشد که آنها را ارشاد کند.

بنده عرض نکردم رئیس مالیه اطلاع ندارد بلکه مقصود این بود که این ها باخلاق مملکتی آشنا نیستند و باید آنها را هدایت کرد.

یکی دیگر این که فرمودند عایدات دولت کسر میشود. ما پیش نهاد نکردیم که بیائید نیم عشر بگیرید.

ما در طرز لایحه مذاکره میکردیم شما پیش نهاد کرده اید از ملك گرفته شود ما گفتیم باید از عایدات مالك گرفته شود.

ممکن است یک ربع بگیرند يك خمس بگیرند که کسر نشود ولی از عایدات مالك.

یکی دیگر این که فرمودند شما مبارزه با طبیعت میکنید که فلان ملك چرا تعمی صدتعم و فلان جا طور دیگر محصول میدهد.

ما ننگتیم که باید پیروی طبیعت را کرد یا مخالفت و جنگ کرد که یکی را که فقیر کرده است ماهم کتکش بزیم خیر ما میگوئیم هر چه مالك استفاده میبرد باید از او گرفت نه از ملك.

شیر وانی - دو مرتبه ایشان از حق نطق استفاده کردند.

نایب رئیس - در فقره پیش نهاد کرده اند راجع بختم جلسه.

شیر وانی - بنده با ختم مذاکرات مخالفم.

نایب رئیس - دو فقره پیش نهاد برای ختم جلسه کرده بودند اظهار شد کسی هم مخالفت نکرد.

شیر وانی - باید رأی گرفته شود. نایب رئیس - چون کسی مخالف نبود از این جهت محتاج برای نشدیم.

لواجی که از طرف دولت پیش نهاد شده یکی راجع است باشخاصی که نم هستند از حقوق آن استفاده کنند. این لایحه بعقیده بنده باید بکمیسیون قانون استخدام مراجعه شود اگر کم مخالف نیست آن کمیسیون مراجعه شود. کسی مخالف نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر

نایب رئیس - به کمیسیون قانون استخدام مراجعه میشود.

آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - در این قسمت عرض نداشتم.

نایب رئیس - آقای زعیم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود. (شرح ذیل قرائت شد)

راجع بلایحه پرداخت مطالبات اتباع داخله پیش نهاد فوری بودن آن را که يك شرح شود می نمایم.

نایب رئیس - توضیحی دارید بفرمائید.

زعیم - کسی مخالف نیست.

آقاسید یعقوب - بنده مخالفم.

زعیم - بنده از طرز بیان وزارت مالیه این طور استنباط کردم که ترتیب پرداخت طلبکاران دولت در آن جا معین کرده اند.

بنده این طور تصور کردم که اگر این طرح قانونی که پیش نهاد شده است برود بکمیسیون قوانین مالیه و دور شود احتمال دارد مدتها طول بکشد.

از این جهت برای این که طول نکشد و آقایان زودتر به حقوق خودشان برسند بنده پیش نهاد کردم که يك شرح بیشتر در آن نشود.

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - اولاً هیچ اطلاع از این قانون نداریم هنوز طبع و توزیع نشده است.

ما از عایدی خودمان و خزانه مملکتان اطلاع داریم که چقدر است.

یکروز يك نفر از وزراء صحبت کرد فریب هفده میلیون قران که نمیدانم چقدر تومان میشود بر آورد کرده اند قرض دولت است.

حالا آقای زعیم هم می فرمایند يك شرح بشود و ما هم فوراً با ایشان با آن حال عطفاتی که در ماهست فوراً رأی بدهیم و با اطلاع از خزانه مملکت گمان نمیکنم ما بتوانیم

همچو رأی بدهیم و عقیده دارم که بهتر این است که مطابق جریان می که معمول است برود در کمیسیون قوانین مالیه و سایر خودش را بکند و مطابق قانون ما اطلاع پیدا کنیم تا رأی که مهدهیم از روی بصیرت باشد والا بنده باین طرز مخالفم.

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیش نهاد آقای زعیم.

داور - لایحه قرائت شود.

نایب رئیس - چون لایحه خیلی مفصل است اگر آقایان مخالف نباشند در جلسه آتی به قرائت شود و تکلیف آن معلوم شود.

آقای عدل الملک (اجازه)

عدل الملک - عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای داور (اجازه)

داور - میخواستم استدعا کنم چند فقره را بپورت از کمیسیون عرایض هست قرائت شود.

نایب رئیس - آقا شام افرومودید عرضی ندارم. آقای داور

داور - بنده عرایضم راجع بفرمایش آقای حائری زاده بود که فرمودند عرایضی که بنده کرده ام ممکن است سوء تعبیر یا تهمت و افترائی نسبت بایشان شده باشد

بنده تصور میکنم با اینکه ایشان ارادت بنده را نسبت بخودشان میدانند تصور این را نمی بایست بکنند که بنده میخواستم به ایشان يك تهمت و افترائی زده باشم و اگر اظهاری کرده ام شاید آنطوری که باید واضح باشد نبوده یا فهم بنده مقتضی ادراک بیانات ایشان نبوده و در هر صورت ممکن است سوء تعبیر شده باشد.

و دیگر این که يك قسمت دیگر هم مذاکره فرمودند خواستم به بینم آن مذاکرات ثانیشان هم جزء اخطار بود یا این که خواستند موقعی بدست بیآورند و در ضمن تقاید خودشان را تکرار فرموده باشند؟

نایب رئیس - آقای شیر وانی (اجازه)

شیر وانی - بنده يك عرض نظامنامه ای داشتم.

بموجب ماده ۸۳ در تمام مسائل باید بقیام و قعود رأی گرفت و در این مسائلی که از بمداز تغییر دستور پیورید شده است رأی گرفته نشده است.

نایب رئیس - چه مسائلی؟

شیر وانی - دستور قانون میزبی بود و بعد مسائل دیگری مذاکره شد که در هیچیک رأی گرفته نشد.

نایب رئیس - پیشنهاد کردند جلسه ختم شود بنده اظهار کردم کسی هم مخالف نبود چون مخالفی نداشتم رأی ننگرفتم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده بمداز دستور عرض دارم.

نایب رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - در موقعی که آقای زعیم آن پیشنهاد را کردند بنده خواستم این عرض را بکنم اما موقعش گذشت و حالا عرض میکنم بنده امروز را يك روز مبارکی میدانم.

گذشته از آن اظهاراتی که آقای رئیس الوزراء کردند که در حقیقت يك وحدت نظر خیلی محکمی بین ملت و دولت برخلاف ادوار سابق و ادوار طولانی بود

در ضمن مذاکراتشان يك مسئله را یاد آور شدند و آن مسئله اقتصادیات بود که من باب مقدمه هم يك قانونی پیشنهاد کردند برای اتخاذ ترتیبی در موضوع مطالبات اتباع داخله.

(اگر چه خجالت دارم عرض کنم ولی باید حقایق را گفت)

سألها بود امضای دولت معنی نداشت و ایشان برای اینکه مزید کنند بر سعادت مملکت و رابطه اقتصادی را بین ملت و دولت محکم کنند

این بود که این پیشنهاد را کردند برای یکمده اشخاصی که از اتباع داخله هستند و بادولت طرفیت داشته اند ومدت ها است بیچاره شده اند که هم برای آنها تکلیفی معین شود وهم برای آتی مردم

با کمال امیدواری روابط اقتصادی خود را بادولت محکم کنند

از این جهت بنده تصور میکنم آن پیشنهاد که آقای زعیم کردند خیلی اهمیت دارد و هر قدر بقوریت ما آنرا بگذرانیم بیشتر با آن نظریات عمیق دولت موافقت کرده ایم

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنیم

جاسه آتی به روز پنجشنبه سه ساعت قبل از ظهر دستور قانون میزبی

جمعی از نمایندگان - قانون انتخابات است.

نایب رئیس - مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد.

نایب رئیس مجلس - مجلس شورای ملی سهام السلطان بیات منشی. علی اقبال الملک منشی. معظم السلطان

جلسه صد بیست و نهم صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه اول حوت ۱۳۰۳ مطابق بیست و پنجم

رجب ۱۳۴۳

مجلس دوساعت و یک ربع قبل از ظهر بریاست آقای موتن الملک تشکیل گردید